

فرمالیستی را نداشتی باشی. این نوع روایت کلاسیک به دلیل زمان داستان است یا این فرم را بیشتر می‌پسندید؟

در این سریال به دلیل همین خاطره بازی از دهه شصت و چیزی که در ذهن مردم به جا مانده از کار فرمالیستی پرهیز کردم و سعی کردم نوع کلاسیک را جلو ببرم. ماهی کلاسیک وار مورد پسند خودم هم هست و خیلی دوست دارم تا این قصه را به این شکل روایت کنم. این مساله را در رنگ و نور و در خیلی از موارد دیگر مثل لباس می‌شود متوجه شد اما به همین دلیل ساده که با نگاه فرمالیستی و ایتنا پرش زمانی و یا کار غیر کلاسیک به خاطره‌ی ماز گذشته خدشهای وارد نشود از این پرهیز کردیم.

چرا شهرام شاه حسینی که در تدوین معمولاً خیلی مبتکرانه و با ایده عمل می‌کند کارش تقطیع و کات زیاد دارد؟ در همین راستا بعضی نقدها اینطور بود که در تدوین شاهد کات‌های زیادی هستیم، خاصه در نماهای دو نفره برای مثال بین هما و نادر یا مهران احمدی و امیر نوروزی. این در همان شیوه کلاسیک برای بالا بردن ریتم است یا دلیل دیگری دارد و آیا این را به عنوان یک نقد می‌پذیرید؟

من هر چند که به شدت به خرد جمعی اعتقاد دارم اما در همه چیز دخالت می‌کنم؛ از جمله در تدوین، صداگذاری، لباس، صحنه و همه‌ی موارد. این دخالت خیلی دوستانه است و بخش عمده‌ای از آن هم می‌تواند سلیقه باشد. من کار میثم مولایی (تدوینگر) را خیلی می‌پسندم و دوست دارم. راجع به کات‌های زیاد که شما گفتید، به نظر من جایش بوده که این اتفاق بیفتد اما به نظر من می‌آید تمپو و ضرب آهنگی که در خود سکانس است خیلی به کات‌های سریع و یا قیچی‌های سریع مربوط نمی‌شود. به نظر من میثم مولایی با توجه به خود سکانس، مونتاژ کرده و او هم سلیقه‌ای عمل نکرده است. او با توجه به ضرباهنگی که سکانس لازم داشته مونتاژ کرده است. ضمن اینکه من معمولاً اینطور هستم که چیز اضافه‌ای را فیلمبرداری نمی‌کنم و معمولاً آن چیزی را می‌گیرم که همان هم مونتاژ شود. به هر حال آنچه که دست میثم مولایی است خیلی رایش‌های مفصلی ندارد تا از زوایای مختلف به سکانس نگاه کند. اما به نظر من مولایی خیلی باسلیقه است و حس و حال سکانس را خیلی خوب می‌فهمد.

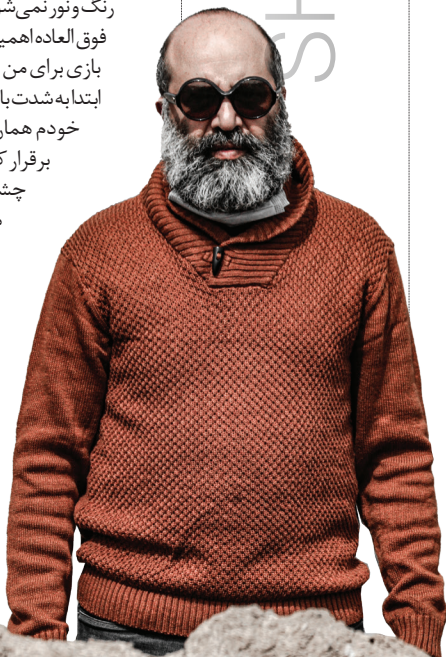
منهای یکی، دو شخصیت که یکی فرعی بود و دیگری به عنوان نقش اصلی (آزاده صمدی)، در شکل دیالوگ‌نویسی خیلی طبق زمان پیش نرفتید و شکل جمله‌بندی شعاری معمول این نوع کارها

راندیدیم. چقدر در شکل دیالوگ‌نویسی ورود کردید؟ می‌شد در سبک کارهای علی حاتمی و یا مطابق شعر گونه بودن دیالوگ‌های حسن فتحی جلو بروید، این تعمد شما بود که شبیه آن‌ها نباشید؟

می‌توانم بگویم که چه در شکل دیالوگ‌نویسی و چه در خود فیلمنامه با فیلمنامه نویسی گفت و گوهای زیادی کردیم؛ گفت و گوهای مفصل با دو عزیز گرانقدر یعنی مجید مولایی و پویا سعیدی و حتی می‌توانم بگویم که به چالش هم رسید و دعوا هم کردیم، کار بالا گرفت اما همه‌ی این‌ها برای کار و برای چیزی بود که می‌خواستیم به نتیجه برسیم. هر وقت که حرف همدیگر را متوجه نمی‌شدیم مجبور بودیم تا داد بزیم. ما ایرانی‌ها اصولاً اینطور هستیم و آنجایی که منطق کار نمی‌کند دعوا را شروع می‌کنیم. این مساله را گفتیم برای اینکه بگویم روی فیلمنامه و دیالوگ‌نویسی دخالت خیلی مستقیم داشتیم. این دخالت معنایش این نیست که بگویم دقیقاً این را بنویس، خیر؛ بلکه درباره‌ی کانسپت یک سکانس و اینکه باید چه چیزهایی را مدنظر قرار دهیم، درباره‌ی چه چیزهایی حرف بزیم و از کدام نقطه نظر وارد این سکانس شویم و چطور تمامش کنیم گفت و گو داشتیم. اینکه گفتید دخالت می‌خواهم بگویم که در هیچ چیزی حد و مرزی وجود نداشت و همچنان که آن‌ها دوست داشتند تا صحنه‌های گرفته شده را ببینند از این طرف هم ما راجع به فیلمنامه خیلی بحث می‌کردیم. در مورد آزاده صمدی و دیالوگ‌هایش باید بگویم که بله، به نظر من یک مقدار زیاده‌روی کردیم و دیالوگ‌های نیمه قجری یک مقدار زیاد بود و کاش این کار را نمی‌کردیم تا سربالمان یک‌دست‌تر می‌شد. درست است که ادبیات آدم‌ها باید با هم فرق کند اما نباید به ناگهان راجع به یک کاراکتر این‌انگ به ما بخورد که او نیمه قجری حرف می‌زند اگر این شائیه که درست هم هست به وجود آمده که او مثل بقیه حرف نمی‌زند، الان می‌گویم که این از نظر من اشتباه است. قاعدتاً از طرف دیگر هم نمی‌خواستیم که کل مجموعه، دیالوگ‌نویسی و رفتار و کردار آدم‌ها شبیه به هیچ فیلم دیگری باشد؛ هر چند ما با فیلم و سینما بزرگ شدیم و حتماً خاطره‌هایی داریم که خیلی دوست داشتیم تا آن‌ها را ما می‌ساختیم یا یک جایی از ناخودآگاه ما بیرون آید و درز پیدا کند و شما آن را ببینید اما در مجموع سعی کردیم تا شبیه هیچ فیلم و سریالی نشود.

سریال «می‌خواهم زنده بمانم» به شدت معطوف به دکوپاژ خیلی خوب است که در این راستا فیلمبرداری نیز بسیار همراه بوده و جای دوربین معمولاً در نقطه درستی است. به نظر می‌رسد در این پروژه عکس و قاب بندی خوب برای شما مساله خیلی مهمی بوده است. درست است؟ چرا؟

SHAHRAM SHAH HOSSEINI



ممنون که می‌گویید دکوپاژ خوب شده است، آن احساسی که از درون فیلمنامه به من منتقل می‌شود، دکوپاژ من می‌شود. اما یک بار به یک سکانس، هر سکانسی که دوست دارید نگاه کنید و ببینید که چقدر دکوپاژ معمولی است. من اسمش را معمولی می‌گذارم چون دوربین هیچ جای عجیبی نمی‌رود، حرکت عجیبی نمی‌کند، با میزانشن پیچیده‌ای طرف نیستیم. می‌توانم بگویم چشم‌نواز است اما نمی‌توانم بگویم چشم را می‌زدند؛ به این دلیل که تمام تلاش من برای دکوپاژ، میزانشن، نور و عکس در ابتدا بازی است. من همه‌ی تلاش‌ها را می‌کنم تا باز بگردم با صداقت و ایمان کامل جلوی دوربین بروند. یعنی همه‌ی چانه‌ها را قبلاً با آن‌ها زده‌ام و حالا چیزی که به آن‌ها می‌گویم این است که برویم لذت ببریم. این لذت بردن یعنی چه؟ یعنی دیگر همه چیز را فراموش کنیم و بدون ماسک و بدون هیچ اضافه کاری هر آنچه را که قرار است از دلمان بیرون آید انجام دهیم. من اسم این را زندگی کردن نمی‌گذارم، شاید اسمش یک دروغ بزرگی است که باورش کردیم و این دروغ را به شما منتقل می‌کنیم و شما این دروغ را باور می‌کنید. در واقع اسم آن می‌شود ایمان، حتی به دروغ. برای این کار، یعنی برای ایمان به دروغ گفتن هم باید به اندازه‌ی کافی دلت صاف باشد. در نتیجه درباره دکوپاژی که گفتید بر این اساس این عکس گذاشته می‌شود. فیلمبردار هم همینطور، او هم تقریباً به این رسید که معنی و مفهوم خلوص امنیت من در صحنه چیست و همه چیز باید فدای آن احساسی شود که از دهان باز بگردد بیرون می‌آید و هیچ چیز به اندازه‌ی آن برای من اهمیت ندارد. همه چیز باید فدای آن نکته‌ی کلیدی شود که باز یگر می‌گوید یا حتی چیز غیر مهمی که می‌گوید. به همین خاطر من هیچوقت محو لوکیشن، محو لباس، محو عکس، کارت پستال و رنگ و نور نمی‌شوم. همه‌ی این موارد برای من فوق العاده اهمیت دارند اما بازی ارجح است. بازی برای من در صدر جدول است تا در ابتدا به شدت با تماشاچی ارتباط برقرار کند، خودم همان جا در صحنه با آن ارتباط برقرار کنم. بعداً اگر موارد دیگر به چشم آمد و ببینند زیر لایه‌ها و معانی فرامتنی مورد علاقه مرا فهمید که ناز شست همه‌ی ما؛ اگر هم متوجه نشد می‌خواهم همین قصه‌ای که روایت می‌کنم یعنی روایت ساده، بی‌آلایش و زلال بدون هیچ فاصله‌ای از شیشه رد شود و به مخاطب رسوخ کند.